

# Akhlaq-i zīstī

## i.e., Bioethics Journal

Special Issue on Law and Ethics Innovations, 2022

The Bioethics and Health  
Law InstituteMedical Ethics and Law  
Research CenterInternational Association  
of Islamic Bioethics

### Analysis of the Prohibition of abuse of the Right to the Free Flow of Information from the Perspective of the International Human Rights System

Maziyar Saeidi<sup>1</sup>, Masoud Raei<sup>1\*</sup>, Faramarz Atrian<sup>1</sup>

1. Department of Law, Najaf Abad Branch, Islamic Azad University, Najaf Abad, Iran.

#### ABSTRACT

**Background and Aim:** In the international human rights system, the right to receive and publish information is considered one of the basic human rights, but according to human rights documents, this right is not absolute and comes with conditions, criteria and limitations. The purpose of the current research is to find ways to prevent the abuse of the right to receive and publish information.

**Methods:** This research is of theoretical type and the research method is Qualitative content analysis; The method of data collection is library which has been done by referring to documents, books and articles.

**Ethical Considerations:** In order to organize this research, while observing the authenticity of the texts, honesty and fidelity have been observed.

**Results:** The principle of prohibiting the abuse of the right; Whether as a part of the principle of good faith or the principle of harmlessness or as an independent principle, it limits the free flow of information and is an exception to the right to receive and disseminate information. Based on this, a narrow and precise reading of it should be given so that it does not play the role of distorting the freedom of expression. Under a general rule, the abuse of the right can be cited as a limitation of the right to receive and disseminate information when it is stated in the relevant laws and in accordance with the standards of democratic societies.

**Conclusion:** The following article, considering the abstractness and fluidity of the concept of abuse of right, while trying to get a more precise approach to the concept of the mentioned principle, has reviewed criteria such as bad faith and deviation from the social goal of the right as the criteria of abuse of the right and proposed the criterion of "unconventional conscious damage" for this purpose. So from the point of view of this article, abuse of the right to receive and disseminate information occurs only when a person, organization or country behaves with full knowledge in the free flow of information in a way that leads to unusual damage to others.

**Keywords:** Free Flow of Information; Freedom of Information; Right to Receive and Publish Information; Goodwill; Harmless Rule; Freedom of Speech

**Corresponding Author:** Masoud Raei; **Email:** [masoudraei@yahoo.com](mailto:masoudraei@yahoo.com)

**Received:** September 02, 2022; **Accepted:** October 04, 2022; **Published Online:** November 21, 2022

#### Please cite this article as:

Saeidi M, Raei M, Atrian F. Analysis of the Prohibition of abuse of the Right to the Free Flow of Information from the Perspective of the International Human Rights System. *Akhlaq-i zisti, i.e., Bioethics Journal*. Special Issue on Law and Ethics Innovations. 2022; e1.



انجمن بین‌المللی اخلاق زیستی اسلامی / مرکز تحقیقات اخلاق و حقوق پزشکی / انستیتو اخلاق زیستی و حقوق سلامت

## مجله اخلاق زیستی

ویژه‌نامه نوآوری‌های حقوق و اخلاق، ۱۴۰۱

## تجزیه و تحلیل منع سوءاستفاده از حق در جریان آزاد اطلاعات از منظر نظام بین‌الملل

## حقوق بشر

مازیار سعیدی (id)، مسعود راعی (id)\*، فرامرز عطریان<sup>۱</sup>

۱. گروه حقوق، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران.

## چکیده

**زمینه و هدف:** در نظام بین‌الملل حقوق بشر، حق دریافت و نشر اطلاعات، از جمله حقوق بنیادین بشر برشمرده شده است، ولی مطابق اسناد حقوق بشری این حق، مطلق نبوده و با شرایط، ضوابط و محدودیت‌هایی همراه است. هدف پژوهش حاضر، یافتن شیوه‌های منع سوءاستفاده از حق در جریان آزاد اطلاعات است.

**روش:** تحقیق حاضر، مطالعه‌ای نظری است و با روش تحلیل کیفی محتوا، انجام شده است. روش جمع‌آوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای بوده و با مراجعه به اسناد، کتب و مقالات انجام گرفته است.

**ملاحظات اخلاقی:** در تمام مراحل نگارش پژوهش حاضر، ضمن رعایت اصالت متون، صداقت و امانتداری رعایت شده است.

**یافته‌ها:** اصل منع سوءاستفاده از حق، خواه به عنوان جزئی از اصل حسن نیت یا قاعده لاضرر و خواه به عنوان اصلی مستقل، محدودکننده جریان آزاد اطلاعات و استثنایی بر حق دریافت و انتشار اطلاعات است. بر این اساس، باید خوانشی مضیق و دقیق از آن ارائه نمود تا نقش مخدوش‌کننده آزادی بیان را ایفا ننماید، چه اینکه طبق یک ضابطه کلی، سوءاستفاده از حق، در مقام تحدید حق دریافت و انتشار اطلاعات زمانی قابل استناد است که مطابق استانداردهای جوامع مردم‌سالار و در قوانین موضوعه آورده شده باشد.

**نتیجه‌گیری:** نوشتار پیش رو، با توجه به انتزاعی و سیال بودن مفهوم سوءاستفاده از حق، ضمن تلاش برای رهیافتی دقیق‌تر به مفهوم اصل یاد شده، معیارهایی چون سوءنیت و عدول از غایت اجتماعی حق را به عنوان ملاک‌های سوءاستفاده از حق دریافت و نشر اطلاعات بررسی نموده و معیار «زیان آگاهانه نامتعارف» را بدین منظور پیشنهاد داده است. از دیدگاه نوشتار حاضر سوءاستفاده از حق دریافت و انتشار اطلاعات تنها هنگامی رخ می‌دهد که یک فرد، سازمان و یا کشور در جریان آزاد اطلاعات با آگاهی کامل به گونه‌ای رفتار نماید که منجر به زیان نامتعارف به دیگران شود.

**واژگان کلیدی:** جریان آزاد اطلاعات؛ آزادی اطلاعات؛ حق دریافت و انتشار اطلاعات؛ حسن نیت؛ قاعده لاضرر؛ آزادی بیان

نویسنده مسئول: مسعود راعی؛ پست الکترونیک: [masoudraei@yahoo.com](mailto:masoudraei@yahoo.com)

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۶/۱۱؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۷/۱۲؛ تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۰۸/۳۰

خواهشمند است این مقاله به روش زیر مورد استناد قرار گیرد:

Saeidi M, Raei M, Atrian F. Analysis of the Prohibition of abuse of the Right to the Free Flow of Information from the Perspective of the International Human Rights System. *Akhlaq-i zisti, i.e., Bioethics Journal. Special Issue on Law and Ethics Innovations*. 2022; e1.

## مقدمه

فردگرایان مستند به مطلق بودن حق، بر این باور بودند که اگر در فرایند احقاق و اجرای حق ضرری متوجه دیگری شود، صاحب حق، به دلیل مشروع بودن رفتار خود نباید مسئول جبران خسارت و ضرر مزبور تلقی شود، ولی نویسندگان حقوقی پذیرفته‌اند که «اجرای هیچ حقی آنچنانکه پیشینیان می‌پنداشتند، مطلق نیست و هیچ کس نمی‌تواند با سوءاستفاده از حق خویش به دیگران زیان رساند» (۱).

حق دریافت اطلاعات و حق انتشار آن نیز - که امروزه در نهادی با نام «جریان آزاد اطلاعات» مطرح می‌باشد - از این قاعده مستثنی نیست. درست است که اسناد متعدد بین‌المللی حقوق بشری، از جمله ماده ۱۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر، ماده ۱۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، بند ۱ ماده ۱۳ کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر، ماده ۱۰ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و مانند آن بر این حق بنیادین انسان تصریح نموده‌اند، ولی همین اسناد، حق مزبور را مطلق ندانسته و برای آن شرایط، ضوابط و محدودیت‌هایی منظور نموده‌اند. اصل برابری، اصل استفاده مسالمت‌آمیز از جریان آزاد اطلاعات، اصل عدم مداخله در امور داخلی دیگران و اصل ممنوعیت سوءاستفاده از حق، از جمله این اصول است. علاوه بر شرایط و ضوابط مزبور، مطابق همین اسناد، مواردی از شمول حق دریافت و انتقال اطلاعات خارج شده که با عنوان محدودیت‌های حاکم بر جریان آزاد اطلاعات از آن یاد شده است. مقتضیات عادلانه اخلاق، امنیت ملی، نظم عمومی، رفاه همگانی، مالکیت و حریم خصوصی از جمله این محدودیت‌هاست. نوشتار حاضر بر اصل و ضابطه ممنوعیت سوءاستفاده از حق دریافت و حق نشر اطلاعات تمرکز نموده و زوایای گوناگون آن را بررسی نموده است. این اصل و ضابطه بسان اکثر عناوین یاد شده مجمل، کلی، مبهم، سیال و انعطاف پذیر است و می‌تواند راه را برای سوءاستفاده حاکمان و دولت‌ها باز نماید. برای پیشگیری از چنین وضعیتی، اسناد حقوق بشری اعمال محدودیت‌های مزبور و از جمله منع سوءاستفاده از حق را به دو شرط منوط نموده‌اند: یکی آنکه این موانع و محدودیت‌ها

باید در چارچوب قوانین موضوعه آورده شوند؛ دیگری آنکه موانع و محدودیت‌های مزبور در قوانینی آورده شوند که مطابق با استانداردهای جوامع مردم‌سالار وضع شده باشد. با این حال این قیود نیز نتوانسته محدودیت‌های مزبور را از حالت انتزاعی خارج نموده و صورتی عینی به آن ببخشد، زیرا عنوان «جوامع مردم‌سالار» نیز خود عنوان کلی و مبهم بوده و موضوع را پیچیده‌تر نموده است، چون علاوه بر اینکه وصف مردم‌سالار بودن یا نبودن یک جامعه مبهم است، مقام تشخیص‌دهنده این وصف نیز مشخص نشده است. نوشتار حاضر در پی این است که اولاً تعریفی دقیق‌تر از اصل ممنوعیت سوءاستفاده از حق دریافت و نشر اطلاعات ارائه دهد؛ ثانیاً راه حلی را برای زدودن ابهامات مزبور ارائه نماید.

## روش

این تحقیق از نوع نظری و روش آن توصیفی - تحلیلی و به عبارتی، تحلیل کیفی محتوا است. نحوه جمع‌آوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای بوده و با مراجعه به اسناد، کتب و مقالات انجام گرفته است.

## یافته‌ها

یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد که اصل منع سوءاستفاده از حق، خواه به عنوان جزئی از اصل حسن نیت یا قاعده لاضرر و خواه به عنوان اصلی مستقل، محدودکننده جریان آزاد اطلاعات و استثنایی بر حق دریافت و انتشار اطلاعات است. بر این اساس، باید خوانشی مضیق و دقیق از آن ارائه نمود تا نقش مخدوش‌کننده آزادی بیان را ایفا ننماید، چه اینکه ذیل یک ضابطه کلی، در سوءاستفاده از حق، بسان سایر محدودیت‌ها، ضوابط و اصول حاکم بر حق دریافت و انتشار اطلاعات زمانی قابل استناد است که مطابق استانداردهای جوامع مردم‌سالار و در قوانین موضوعه آورده شده باشد.

## بحث

۱. مفهوم و مبنای اصل ممنوعیت سوءاستفاده از حق دریافت و نشر اطلاعات: اشخاص در اجرای حقوقی که متون قوانین به آنان داده است، آزادی کامل ندارند و نمی‌توانند اهداف ناروا و ضد اجتماعی خود را در پناه حق، مباح جلوه کنند. به بیان دیگر همان‌گونه که حدود خارجی حق را قوانین معین می‌کنند، حدود داخلی و شیوه اجرای آن را نیز اصول دیگری مقرر می‌دارد که تجاوز از آن، سوءاستفاده از حق نامیده می‌شود (۲).

سوءاستفاده از حق در مفهوم عام به معنای استفاده نادرست از حق است. در این معنا، حتی مواردی را نیز شامل می‌شود که کنشگر ارتباطی در جریان آزاد اطلاعات به دلیل عدم دانش کافی و به صورت ناخواسته اقدام به دریافت یا انتشار اطلاعاتی نموده باشد که مخالف قانون، نظم عمومی یا اخلاق و عفت عمومی باشد، اما سوءاستفاده از حق در مفهوم خاص بدین معناست که صاحب حق، با اراده و آگاهی کامل و با سوءنیت، از حقی که مطابق قانون به وی داده شده، به گونه‌ای استفاده نماید که به دیگران زبانی نامتعارف وارد سازد. به عنوان مثال اگر یک کنشگر ارتباطی اطلاعات خصوصی دیگران را آگاهانه منتشر نماید و از این طریق ضرر و زیان مادی یا معنوی بر وی وارد کند، از حق دریافت اطلاعات و حق انتشار اطلاعات سوءاستفاده نموده است. در نوشتار پیش رو، منظور از ممنوعیت سوءاستفاده از حق، مفهوم خاص آن است. وقتی در تعریف خاص سوءاستفاده از حق گفته می‌شود زیان نامتعارفی به دیگری وارد شود، بدین معناست که زیان‌های متعارفی که در راستای اعمال حق به دیگران وارد می‌شود، در حکم سوءاستفاده از حق نیست، زیرا بدیهی است که در موارد فراوانی اعمال حق، ممکن است به زیان دیگران باشد. به عنوان مثال در جریان آزاد اطلاعات انتشار اخبار مرتبط به نقض حقوق بشر حق طبیعی کنشگران ارتباطی است، ولی در این مسیر، ناقض حقوق بشر در تنگنا قرار گرفته و زیان می‌بیند، ولی این زیان کاملاً طبیعی و متعارف است.

ممنوعیت سوءاستفاده از حق دریافت و انتشار اطلاعات در نظام بین‌الملل حقوق بشر یکی از ضوابطی است که دولت‌ها و افراد مطابق حقوق بین‌الملل و نظام بین‌الملل حقوق بشر ملزم به رعایت آن‌ها می‌باشند؛ این اصل در کنار اصولی چون اصل برابری کشورها در استفاده از منابع اطلاعاتی، اصل عدم مداخله در امور دیگران در فرایند دریافت و انتشار اطلاعات، اصل استفاده مسالمت‌آمیز از جریان آزاد اطلاعات، اصل حسن نیت در جریان آزاد اطلاعات، جزء اصول اساسی حاکم بر جریان آزاد اطلاعات به شمار می‌رود. برای دسترسی به مفهوم دقیق ممنوعیت سوءاستفاده از حق ابتدا مبانی نظری این اصل و سپس رابطه آن با اصل حسن نیت و نیز قاعده لاضرر بیان می‌شود.

۱-۱. مبانی نظری ممنوعیت سوءاستفاده از حق: درباره مبانی اصل ممنوعیت سوءاستفاده از حق، دیدگاه‌های گوناگونی وجود دارد. به عنوان مثال Planiol باور دارد از هنگام آغاز سوءاستفاده از حق، حق متوقف می‌شود، زیرا عمل واحد، در آن واحد نمی‌تواند حق و ناحق باشد. وقتی شخصی از حق خود سوءاستفاده می‌کند، دیگر حقی ندارد تا سوءاستفاده از حق صدق کند، زیرا با سوءاستفاده از حق، عمل غیر قانونی می‌شود، اما Josran معتقد است می‌توان تصور کرد که حقی وجود داشته و وجود آن فی‌نفسه محرز باشد، ولی شیوه اجرای آن نامشروع باشد و به صورت درست مورد استفاده قرار نگیرد. بنابراین همین شیوه اجرا باید ممنوع گردد، بدون اینکه این ضمانت اجرا بخواهد وجود خود حق را انکار کند. ضمانت اجرای مبارزه با سوءاستفاده از حق، تنها با شیوه اعمال حق برخورد می‌کند و به صورت مشخص تنها برخی و نه همه امتیازات ناشی از آن حق را تقلیل می‌دهد. بنابراین نظریه سوءاستفاده از حق اساساً وسیله‌ای برای تعیین مرزهای یک حق است (۳). پذیرش نظریه Planiol این پیامد حقوقی را خواهد داشت که به محض اقدام صاحب حق دریافت یا نشر اطلاعات به سوءاستفاده از آن مثلاً اقدام به نشر مطالب نژادپرستانه، حق وی در باره دریافت و نشر اطلاعات منتفی خواهد شد، زیرا بقای حق مزبور منتهی به پذیرش

تعارض درونی حق انتشار اطلاعات با ممنوعیت انتشار مطالب نژادپرستانه خواهد شد و نمی‌توان در آن واحد حقی را هم پذیرفت و هم انکار کرد، در حالی که مطابق نظر Josran منع سوءاستفاده از حق انتشار اطلاعات، مرز استفاده از حق مزبور را برای انتشاردهنده اطلاعات مشخص می‌کند و آن اموری از قبیل تبلیغ خشونت، نژادپرستی، تبعیض نژادی و مطالب مغایر با عفت و اخلاق عمومی و مانند آن است.

نظریه دیگری که در تبیین مبنای منع سوءاستفاده از حق وجود دارد و می‌توان آن را «نظریه کنترل درونی» نام نهاد، برگرفته از عامل هدایتگر دارنده حق است. گاهی سوءاستفاده از حق به اعمال محدودیت داخلی ناظر بر حق تفسیر می‌شود، به این معنا که محدودیت‌های ناظر بر حق یا درونی است یا بیرونی. منظور از محدودیت‌های بیرونی، محدودیت‌هایی است که از بیرون بر صاحب حق تحمیل شده و مانع سوءاستفاده وی از حقوق خود خواهد شد، مانند آنکه همسایه مانع بازکردن پنجره به حریم خود از سوی مالک ساختمان شود. منظور از محدودیت‌های درونی محدودیت‌های ناشی از اصول کلی و روح نظام حقوقی معین می‌شود. به نظر برخی نویسندگان حقوقی، ممنوعیت سوءاستفاده از حق از نوع محدودیت‌های درونی ناظر بر حق است (۴). با پذیرش این مبنا، برخی مصادیق سوءاستفاده از حق از شمول این اصل خارج می‌شوند، زیرا حق در جریان آزاد اطلاعات گاهی ناشی از حق دریافت اطلاعات و گاهی ناشی از حق انتشار اطلاعات و گاهی ناشی از حق مالکیت بر اطلاعات است. در نگاهی اجمالی و البته با اندکی تسامح، می‌توان صاحبان حق دریافت و حق انتشار اطلاعات را در برابر صاحب حق ملکیت بر اطلاعات تصور نمود. در این صورت هر یک از صاحبان حقوق مزبور اگر با مقاومت و نظارت و محدودیت‌های طرف مقابل خود مواجه شود، در این صورت نمی‌توان آن را از مصادیق ممنوعیت سوءاستفاده از حق دانست، زیرا این امر نه ناشی از نظارت درونی، بلکه ناشی از ممانعت بیرونی است. به عبارت روشن‌تر، مالک اطلاعات خود را صاحب حق دانسته و اجازه نشر اطلاعات متعلق به خود را به فرد مدعی صاحب حق دریافت و انتشار اطلاعات نخواهد داد. همچنین حق مالکیت بر

اطلاعات نیز با مانعی به نام حق دریافت و نشر اطلاعات مواجه خواهد بود، به گونه‌ای که در فرایند اعمال حق خود، رسانه‌های ارتباطی و مدعیان حق نشر اطلاعات را خواهد دید که مالکیتش را متزلزل می‌کند. به عبارتی دقیق‌تر، می‌توان این موارد را از مصادیق تراحم حقوق دانست، نه سوءاستفاده از حق. در این صورت، تنها در مواردی که صاحبان حق مستند به روح حق نتوانند از حق خود به زیان دیگران بهره‌مند شوند، نمونه‌ای از سوءاستفاده از حق تلقی می‌شود. برای مثال، منع تبلیغ خشونت می‌تواند نمونه‌ای روشن از منع سوءاستفاده از حق باشد، زیرا در اینجا بدون آنکه تراحم حقوقی در میان باشد و یا آنکه عاملی بیرون ناظر بر اعمال حق انتشار اطلاعات باشد، وجدان بیدار دارنده حق انتشار، وی را به سوی نوعی کنترل درونی نسبت به سوءاستفاده نکردن از حق هدایت می‌کند.

به نظر می‌رسد این نظریه را نیز نمی‌توان به طور کامل پذیرفت. مهم‌ترین علت این است که وقتی عامل کنترل صاحب حق عوامل بیرونی باشند، عموماً موضوع در تراحم دو حق قابل ارزیابی است نه سوءاستفاده از یک حق. در این صورت به عنوان مثال نشر اطلاعات ضد اخلاقی، ضد امنیت ملی، ضد عفت عمومی، تبلیغ خشونت و مانند آن از مصادیق تعارض با حقوق عامه مردم بوده و مواردی چون انتشار اطلاعات خصوصی افراد و ورود به حریم خصوصی آنها از مصادیق تعارض حق انتشار اطلاعات با حق مالکیت بر اطلاعات خواهد بود. این در حالی است که در بسیاری از پرونده‌های مربوط به سوءاستفاده از حق انتشار و دریافت اطلاعات (که به برخی از آنها در این نوشتار اشاره خواهد شد) این‌گونه رفتارها را نه مستند به تعارض حقوق، بلکه مستند به سوءاستفاده از حق ممنوع دانسته و اقدام‌کننده‌اش را محکوم نموده‌اند. وانگهی پذیرش تراحم دو حق در اینجا پیامدهای حقوقی ناگواری خواهد داشت. به عنوان مثال اگر پذیرفته شود که انتشار مطالب ضد اخلاقی، نژادپرستانه، تبلیغ خشونت و مانند آن به دلیل تراحم با حق عمومی ممنوع است، این پیامد نادرست را خواهد داشت که گویا به حق بودن تمام موارد مزبور اذعان نموده‌ایم، ولی به دلیل جریجه‌دار شدن

وجدان عمومی جامعه این حقوق را باید کنار نهاد یا اگر انتشار اطلاعات مربوط به حریم خصوصی افراد را از باب تزامم دو حق (حق انتشار اطلاعات و حق مالکیت بر اطلاعات) بدانیم گویا پذیرفته‌ایم که انتشار اطلاعات مربوط به حریم خصوصی افراد، حق است، ولی به دلیل مخالفت با حق مالکیت افراد ممنوع شده است، در حالی که بطلان چنین دیدگاهی واضح و روشن است.

به نظر می‌رسد ممنوعیت سوءاستفاده از حق دریافت و انتشار اطلاعات را باید بر مبنای حسن نیت و قاعده لاضرر تبیین و تشریح نمود. آنچه مسلم است این است که فرد دارنده حق دریافت و نشر اطلاعات باید از این حق خود با حسن نیت بهره گیرد و در این راستا نباید حق را وسیله اضرار به غیر قرار دهد. منع سوءاستفاده از حق، رابطه نزدیکی با اصل حسن نیت و نیز قاعده لاضرر دارد که برای رهیافت دقیق‌تر به مفهوم اصل مزبور لازم است رابطه میان این سه نهاد حقوقی به طور خاص در موضوع جریان آزاد اطلاعات روشن شود.

**۱-۲. رابطه منع سوءاستفاده از حق و قاعده لاضرر در جریان آزاد اطلاعات:** قاعده لاضرر بیانگر این حکم عقل است که ضرر و زیان‌های یک‌جانبه یا متقابل ممنوع بوده و در صورت ایراد ضرر، جبران آن لازم است. چنین قاعده عقلی به طرق مختلف، از جمله آیات ۲۳۱، ۲۳۳ و ۲۸۲ سوره بقره و ۱۲ سوره نساء و همچنین نقل مورد تأیید و تأکید واقع شده است (۷-۵). قاعده لاضرر از دو جمله: «لاضرر» و «لاضرار» تشکیل شده است. «ضرر» شامل کلیه خسارت‌ها و زیان‌های وارد شده به دیگری است، ولی «ضرار» (۱۱-۸) مربوط به مواردی است که شخص با استفاده از یک حق یا جواز شرعی به دیگری زیان وارد سازد که همان سوءاستفاده از حق است (۱۲). در مورد «لا» که بر سر ضرر و ضرار آمده است وحدت نظر وجود ندارد، برخی آن را لای نفی جنس می‌دانند که در این صورت معنا این می‌شود که هیچ ضرر و ضرار جبران نشده‌ای در اسلام وجود ندارد و برخی بر این باورند که لای نفی حکمی است که در این صورت معنا چنین است که اگر حکم عامی وجود داشته باشد که برخی مصادیق آن ضرری

است به وسیله این حدیث آن حکم عام منتفی خواهد شد (۱۳)، نتیجه آنکه مطابق جمله دوم این قاعده، یعنی «لاضرار»، سوءاستفاده از حق، یا از اساس منتفی است و زیان‌های ناشی از این رفتار باید جبران شود و یا اینکه حکم عامی که منجر به سوءاستفاده از حق می‌شود، منتفی است. بر پایه آنچه گفته شد، در جریان آزاد اطلاعات از قاعده لاضرر می‌توان دو استفاده بنیادین نمود: نخست آنکه در فرایند مزبور نباید به دیگران ضرر و زیان وارد نمود (لاضرر) که ارتباطی با نوشتار پیش رو ندارد؛ دوم اینکه درست است که دریافت و انتشار اطلاعات از مصادیق بارز حقوق بشر است، ولی در این راستا نباید از چنین حقی سوءاستفاده نمود (لاضرار).

استوار سازی منع سوءاستفاده از حق دریافت و انتشار اطلاعات، بر قاعده لاضرر این پیامد مثبت حقوقی را خواهد داشت که اساساً مانع شکل‌گیری حق مزبور خواهد شد. این بدین معناست که بر عکس برخی نظریات مطرح‌شده درباره مبانی منع سوءاستفاده از حق، اساساً حقی ایجاد نخواهد شد تا نوبت به سخن‌گفتن از تزامم حق دریافت و انتشار اطلاعات با سایر حقوق به میان آید، بلکه اگر «لا» در «لاضرر و لاضرار»، «لای نفی جنس» باشد، نتیجه آن خواهد بود که در فرایند جریان آزاد اطلاعات، هیچ ضرر جبران نشده وجود ندارد و اگر «لای نفی حکمی» باشد، نتیجه آن خواهد بود که درست است که دریافت و انتشار اطلاعات حق عام و غیر قابل انکاری است، ولی در برخی مصادیق اگر این حق منجر به زیان به دیگران شود، آن حق عام منتفی خواهد بود.

نکته شایان توجه این است که دایره قاعده لاضرر بسیار گسترده‌تر از قاعده منع سوءاستفاده از حق است و بدین ترتیب، تمام مصادیق منع سوءاستفاده از حق در جریان آزاد اطلاعات را می‌توان بر مبنای قاعده لاضرر استوار نمود. رابطه میان قاعده لاضرر و منع سوءاستفاده از حق رابطه منطقی عموم و خصوص مطلق است. به عبارت دقیق‌تر، تمام مصادیق منع سوءاستفاده از حق را می‌توان مصادیقی از قاعده لاضرر دانست و بر پایه آن، آن را ممنوع نمود، ولی تمام مصادیق قاعده لاضرر مصادیق منع سوءاستفاده از حق نیست. بدین



از حق نسبت به حسن نیت امکان استوارسازی این قاعده بر اصل حسن نیت وجود دارد. این نکته چنان بدیهی است که حتی برخی به نقل از حقوقدانان ذکر نموده‌اند که اصل ممنوعیت سوءاستفاده از حق زاینده اصل حسن نیت است (۱۷).

حسن نیت واجد دو بعد حمایتی (حمایت از تصور خلاف واقع) و الزامی (الزام اشخاص به درستی و صداقت در انعقاد و اجرای اعمال حقوقی) است (۱۸). در جریان آزاد اطلاعات اگر فردی بدون سوءنیت، اطلاعاتی را دریافت نماید یا آن را منتشر نماید و در این رهگذر زیانی به دیگری وارد شود، بعد حمایتی اصل حسن نیت خودنمایی کرده و مانع اثبات و احراز سوءاستفاده از حق یا کاهش مجازات مرتکب خواهد شد. به عنوان مثال اگر خبرنگاری با نیت خیرخواهانه و اصلاح‌گرانه، اطلاعات ناقصی را در مورد یک موضوع خاص منتشر نماید، ولی مشخص شود که اطلاعات مزبور از اساس کذب بوده، در صورت احراز حسن نیت وی، سوءاستفاده از حق محقق نشده و یا صرفاً به نشر اطلاعات درست محکوم خواهد شد. در بعد الزامی حسن نیت نیز کنشگران ارتباطی ملزم به رعایت درستی، دقت، صداقت و امانت در دریافت و انتشار اطلاعات خواهند بود و چنانچه در جریان آزاد اطلاعات آگاهانه زیان نامتعارفی را به دیگران وارد نمایند، به دلیل نقض الزامات صداقت و امانت، مرتکب سوءاستفاده از حق شده و باید صدمات وارد شده به هر فرد، نهاد یا کشوری به طور مناسبی جبران شود.

## ۲. ممنوعیت سوءاستفاده از حق در اسناد و دادگاه‌های

**حقوق بشری:** اسناد حقوق بشری با اینکه به صورت جدی به حق دریافت و انتشار اطلاعات به عنوان دو مصداق اساسی از آزادی بیان، اذعان نموده‌اند، ولی مواردی را برشمرده‌اند که از این قاعده کلی استثنا شده است. اعلامیه جهانی حقوق بشر گذشته از آنکه در ماده ۲۹ خود، سخن از «محدودیت‌هایی» می‌کند که «قانون صرفاً به منظور تأمین شناسایی و حرمت به حقوق دیگران و برای تحقق‌بخشیدن به مقتضیات عادلانه اخلاق و نظم عمومی و مصالح عامه در یک نظام دموکرات

ترتیب اگر زیانی به فرد یا جامعه وارد شود، حق انتشار اطلاعات به مرحله ظهور نخواهد رسید و زیان وارد شده باید جبران شود.

## ۳-۱. رابطه منع سوءاستفاده از حق و اصل حسن نیت

**در جریان آزاد اطلاعات:** اصل ممنوعیت سوءاستفاده از حق را نباید با اصل حسن نیت یکی دانست. اصل حسن نیت مفهومی عام بوده که در حوزه اخلاق ریشه داشته و به تدریج در حقوق، سیاست، جامعه‌شناسی و مانند آن گسترش یافته است (۱۴). حسن نیت در اصل، مفهومی اخلاقی است که به تدریج به علم حقوق راه یافته و نهادینه شده است. در واقع اصل حسن نیت یکی از نمادهای تأثیر اخلاق بر حقوق به شمار می‌رود. به نظر برخی حقوقدانان، مفهوم حسن نیت در عین سهولت و آشکاربودن، در مقام توصیف و تطبیق بر مصادیق دشوار می‌نماید و به گونه دقیق قابل تعریف نیست. گروهی از حقوقدانان نیز بر آن هستند که حسن نیت مفهومی ثابت و مستقل ندارد و باید در هر موردی با توجه به اصول و قواعد و شرایط حاکم بر آن سنجیده شود نه صرفاً در شرایط انتزاعی (۱۵). به هر حال این‌گونه اصول، نه‌تنها در قالب یک اصل کلی حقوقی پذیرفته‌شده در سیستم‌های حقوقی ملی، واجد توجه است، بلکه گاهی به عنوان یک قاعده حقوق بین‌المللی عرفی نیز برای دولت‌ها ایجاد تعهد می‌کند (۱۶).

اصل حسن نیت در گستره حقوق نیز عام‌تر از اصل سوءاستفاده از حق است. اصل حسن نیت در تمام اعمال و وقایع حقوقی بین‌المللی و داخلی سریان دارد، در حالی که سوءاستفاده از حق تنها در مواردی است که ذی‌حق از حق خویش به گونه‌ای بهره‌مند شود که منجر به زیان آگاهانه و نامتعارف به دیگران شود. رابطه منطقی ممنوعیت سوءاستفاده از حق با سوءنیت نیز رابطه عموم و خصوص مطلق است، یعنی تمام مصادیق قاعده ممنوعیت سوءاستفاده از حق به نوعی ذیل سوءنیت گنجانده می‌شوند، ولی چنین نیست که تمام مصادیق سوءنیت، سوءاستفاده از حق هم باشد، بلکه صرفاً برخی مصادیق آن منطبق بر سوءاستفاده از حق است. بر این اساس و با توجه به تنگ‌تربودن گستره ممنوعیت سوءاستفاده

سال ۲۰۰۷ نیز دادگاه رواندا اظهار نمود که آزادی بیان و حق رهایی از تبعیض، حقوق انحصاری و جداگانه نیستند؛ بیانات نفرت‌انگیز نمی‌تواند مورد حمایت حقوق بین‌الملل قرار گیرد، چه اینکه کشورها طبق حقوق بین‌الملل، موظفاند هر نوع تنفر ملی، نژادی و مذهبی را که منجر به تبعیض، خصومت و خشونت می‌شود، ممنوع نمایند (۲۰). در پرونده‌های متعددی دادگاه اروپایی حقوق بشر از حکم دادن به نفع افراد به بهانه آزادی بیان و حق بشری نسبت به دریافت و انتشار اطلاعات، صرف نظر نموده و دلیل آن را نیز سوءاستفاده فرد از حقوق مطرح در کنوانسیون مزبور عنوان نموده است. به عنوان مثال در قضیه W.P. علیه لهستان (۲۱) در ۲۰۰۴ دادگاه هدف اساسی ماده ۱۷ را جلوگیری از سوءاستفاده گروه‌های تمامیت خواه از حقوق مندرج در کنوانسیون ذکر می‌کند. سوءاستفاده از حق از نظر این دادگاه در این پرونده در مواردی است که استنادکننده به حقی در کنوانسیون بخواهد فرار و تحاشی از حقوق مندرج در این کنوانسیون را تسهیل نماید (۲۲).

پرونده دیگری که در این باره قابل اشاره است، پرونده Roger Garaudy علیه دولت فرانسه (۲۳) است. Roger Garaudy فیلسوف فرانسوی در سال ۱۹۹۵ کتاب «افسانه‌های بنیانگذار اسرائیل مدرن» را نوشته و منتشر نمود و در سال ۱۹۹۶ آن را بازنشر نمود و در آن منکر هولوکاست شده بود. در پی انتشار کتاب Garaudy، در خلال فوریه تا ژوئیه ۱۹۹۶ چند شکایات کیفری از سوی احزاب مدنی علیه وی به دلیل انکار جنایات علیه بشریت، انتشار اظهارات توهین‌آمیز نژادی و یهودی‌ستیزی و تحریک به خشونت نژادی یا مذهبی مطرح شد. این شکایات مستند به متن‌های مختلفی از هر دو نسخه کتاب بوده که توسط برخی احزاب مدنی و سازمان‌های حقوق بشری ارائه شده و در پی آن تحقیقات قضایی آغاز شد و در ۱۶ دسامبر ۱۹۹۸ به حبس و جریمه نقدی محکوم و محکومیت وی در ۱۲ سپتامبر ۲۰۰۰ توسط دیوان محاسبات فرانسه تأیید شد. استدلال دادگاه‌های داخلی فرانسه این بود که ماده ۱۰ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر را (که ناظر بر آزادی بیان و حق انسان به دسترسی آزاد به اطلاعات و انتشار

وضع نموده است»، ولی به این اکتفا ننموده و در ماده ۳۰ اعلامیه به صراحت از ممنوعیت سوءاستفاده از حق سخن گفته است. این ماده مقرر می‌دارد: «هیچ یک از مقررات اعلامیه حاضر را نمی‌توان به نحوی تفسیر کرد که برای دولتی یا گروهی یا فردی متضمن حقی شود که بنا بر آن، بتواند به فعالیتی دست زند یا کاری انجام دهد که هدف آن از بین بردن حقی از حقوق و آزادی‌های مذکور در این اعلامیه باشد.» مطابق این ماده تفسیری که منتهی به سوءاستفاده از حق شود، تفسیری ناصواب است. همچنین کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی ۱۹۵۰ گو اینکه بر اصل آزادی بیان تأکید نموده (ماده ۱۰)، ولی هرگونه سوءاستفاده از حق را ممنوع نموده است. ماده ۱۷ این کنوانسیون با عنوان «ممنوعیت سوءاستفاده از حق» مقرر می‌دارد: «هیچ یک از مفاد کنوانسیون حاضر نمی‌تواند به گونه‌ای تعبیر یا تفسیر شود که حق شرکت در هر فعالیتی یا انجام هر اقدامی توسط هر دولت، گروه یا شخصی با هدف نابودی هر یک از حقوق و آزادی‌های مندرج در این سند یا محدودکردن این حقوق و آزادی‌ها در حدی فراتر از آنچه در این کنوانسیون پیش‌بینی شده، مجاز شناخته شود.» دقیقاً به همین دلیل است که دادگاه حقوق بشر اروپا با اینکه بارها و از جمله در پرونده Handy Side علیه بریتانیای کبیر تأکید کرده است که آزادی بیان (مشمول بر دسترسی به اطلاعات و انتشار آن‌ها) نه تنها شامل اطلاعات و ایده‌هایی می‌شود که به طور مطلوب دریافت و انتشار می‌یابند، بلکه شامل اطلاعات و ایده‌هایی نیز می‌شود که ممکن است افکار عمومی را رنجانده یا مزاحمتی برای آن ایجاد کند و دلیل آن را نیز لازمه پلورالیزم، مدارا و بردباری به عنوان لوازم جامعه دموکرات دانسته است (۱۹)، اما همین دادگاه وقتی موضوع نفی هولوکاست و یا سخنان نفرت‌آمیز در جریان آزاد اطلاعات مطرح می‌شود، انتشار اطلاعات را نوعی سوءاستفاده از حق دانسته و ماده ۱۰ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر را که ناظر بر آزادی بیان است منطبق بر ماده ۱۷ این کنوانسیون تفسیر می‌نماید که ناظر بر ممنوعیت سوءاستفاده از حق است. در



آن است)، باید با توجه به ماده ۱۷ این کنوانسیون تفسیر نمود که ناظر بر ممنوعیت سوءاستفاده از حق است و مطابق آن نمی‌توان از مواد کنوانسیون تفسیری داشت که افراد بتوانند اقداماتی انجام دهند که حقوق و آزادی‌های اساسی مندرج در کنوانسیون مخدوش گردد. از نظر دادگاه آزادی بیان (از جمله دریافت و انتشار اطلاعات) شامل آن دسته از وقایع تاریخی که وقوعشان به روشنی اثبات شده مانند هولوکاست نمی‌شود؛ وقایعی که انکار یا تجدیدنظرشان منجر به خروج از حمایت ماده ۱۰ با استناد به ماده ۱۷ خواهد شد، چه اینکه هر نوع اظهار نظری (مانند سایر اظهارات علیه ارزش‌های اساسی کنوانسیون) که حامی نازیسم باشد، نمی‌تواند از حمایت ماده ۱۰ برخوردار گردد (۲۴). Roger Garaudy در پی این محکومیت، در تاریخ ۲۳ اکتبر ۲۰۰۰ در دادگاه اروپایی حقوق بشر علیه دولت فرانسه طرح دعوی نموده و مستند به ماده ۱۰ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر درباره آزادی بیان و حق دسترسی و نشر اطلاعات، مدعی بود که حق وی در این باره نقض شده است. ضمن آنکه کتاب وی علیه صهیونیسم و انتقاد از سیاست حاکم بر اسرائیل نوشته شده و اساساً محتوای نژادپرستی و ستیزه‌جویی ندارد. او بر این باور بود از آنجا که وی را نمی‌توان یک تجدیدنظرخواه در هولوکاست نامید، باید به او آزادی بیان نامحدود داده شود، اما دادگاه با استناد به ماده ۱۷ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر که ناظر بر ممنوعیت سوءاستفاده از حق است، ادعای Garaudy را رد کرد. دادگاه رأی داد که هدف ماده ۱۷ کنوانسیون، این است که مردم نتوانند مستنبط از حقوق مندرج در این کنوانسیون رفتاری نمایند که با حقوق و آزادی‌های مندرج در آن در تعارض باشد. بنابراین هیچ کس نمی‌تواند به کنوانسیون به عنوان مبنایی برای شرکت در هر عملی که خلاف مفاد آن باشد، استناد کند. دادگاه پس از تجزیه و تحلیل کتاب مربوطه، اظهار نظر نمود: «همانطور که دادگاه‌های داخلی فرانسه ثابت کرده‌اند، خواهان، در واقع بازپژوهی و تردید در هولوکاست را در پیش گرفته و به طور سیستماتیک وجود جنایات علیه بشریت را که نازی‌ها علیه جامعه یهود مرتکب شده بودند، انکار نموده است. شکی نیست که مشاجره در باره رویدادهای تاریخی مانند هولوکاست

که کاملاً اثبات شده هستند، نمی‌تواند جستجوی حقیقت تلقی شود. هدف واقعی چنین پژوهشی بازسازی رژیم نشتال سوسیالیسم است و در نتیجه افترا به قربانیان هولوکاست و جعل تاریخ است. بنابراین به چالش کشیدن وجود جنایات علیه بشریت یکی از شدیدترین شکل‌های تخریب نژادی و تحریک به نفرت یهودیان است. انکار، بازپژوهشی یا تردید در این نوع واقعات تاریخی، ارزش‌هایی را که بر اساس آن مبارزه با نژادپرستی و مبارزه با یهودی‌ستیزی بنا شده است، تضعیف کرده و تهدیدی جدی برای نظم عمومی به شمار می‌آید. این کار با دموکراسی و حقوق بشر ناسازگار بوده و حامیان آن بدون شک طرح‌هایی داشتند که طبق ماده ۱۷ کنوانسیون در دسته اهداف ممنوعه قرار می‌گیرند.» دادگاه رأی داد: «از آنجا که کتاب خواهان، در کل، تمایل چشم‌گیری به ایجاد تردید و لزوم بازپژوهی [در هولوکاست] را نشان داده و برخلاف ارزش‌های اساسی کنوانسیون، یعنی عدالت و صلح است. خواهان به دنبال خدشه‌واردکردن به ماده ۱۰ کنوانسیون با استفاده از حق خود در آزادی بیان بوده است و ماده ۱۰ کنوانسیون را از هدف مورد نظر خود منحرف کرده است، در نتیجه او نمی‌تواند به ماده ۱۰ (به عنوان مستندی برای حق دریافت و نشر اطلاعات) استناد کند و شکایت او ناسازگار با کنوانسیون اروپایی حقوق بشر می‌باشد» (۲۴).

### ۳. معیار و ضابطه در سوءاستفاده از حق دریافت و

**انتشار اطلاعات:** مستند به مفهوم، مبانی نظری، و برخی اسناد حقوق بشری و نیز آرای صادرشده از محاکم ملی و بین‌المللی که به بخشی از آن پیش از این اشاره شد، می‌توان برای تحقق و اثبات سوءاستفاده از حق معیارهای زیر را ارائه داد:

۳-۱. **معیار سوءنیت:** پیامد منطقی استوارسازی ممنوعیت سوءنیت بر پایه اصل حسن نیت و قاعده لاضرر این است که اراده و نیت سوء جزء جدایی ناپذیر قاعده منع سوءاستفاده از حق است، زیرا همانطور که پیشتر گفته شد حسن نیت واجد دو بعد حمایتی (حمایت از تصور خلاف واقع) و الزامی (الزام اشخاص به درستی و صداقت در انعقاد و اجرای اعمال حقوقی)

است (۱۸). در جریان آزاد اطلاعات اگر فردی بدون سوءنیت اخبار و اطلاعاتی را منتشر کند که مطابق قانون و اخلاق نمی‌بایست منتشر نمود، در این صورت بعد حمایتی اصل حسن نیت، این فرد را تحت حمایت خود قرار می‌دهد، چه اینکه بعد الزامی آن تمام کنشگران گستره ارتباطات را به درستی و صداقت در دریافت و انتشار اطلاعات ملزم می‌نماید. حسن نیت به عنوان یک اصل مبنایی برای قاعده سوءنیت را می‌توان مبتنی بر این قاعده اصولی ترسیم نمود که «امر به یک چیز مستلزم نهی از ضد آن است» (۲۵). به عبارت دیگر بعد الزامی قاعده حسن نیت که دریافت‌کننده و انتشاردهنده اطلاعات را ملزم به راستی و صداقت می‌کند، مقتضی نهی از ناراستی و بی‌صداقتی این افراد در جریان آزاد اطلاعات و در واقع مقتضی نهی از سوءاستفاده از حقشان در دریافت و انتشار اطلاعات است.

همچنین اگر ممنوعیت سوءاستفاده را بر پایه قاعده لاضرر استوار سازیم، ملاک سوءنیت می‌تواند راهی برای تشخیص سوءاستفاده از حق دریافت و انتشار اطلاعات تلقی گردد، زیرا مقتضای قاعده لاضرر این نیست که هر نوع ضرری به دیگران پذیرفتنی نیست. استفاده هر فرد از حق خود در برخی موارد خواسته یا ناخواسته خوشایند دیگران نبوده و آنان را در تنگنا (یکی از معانی ضرر) قرار می‌دهد و حتی در برخی موارد به ضرر دیگران خواهد بود. این امر به طور خاص در جریان آزاد اطلاعات به روشنی قابل تصور و تصدیق است. بدیهی است انتشار اخبار مربوط به نقض حقوق بشر به زبان حاکمانی خواهد بود که حقوق مسلم بشری را محدود یا نقض نموده‌اند. همینطور انتشار اختلاس برخی افراد به طور بدیهی زبان‌های مالی به وی وارد می‌کند. اگر بنا باشد مبتنی بر ملاک ضرر، مانع نشر اطلاعات شد، در این صورت دایره جریان اطلاعات به شدت تنگ شده و این حق در محاق قرار خواهد گرفت. دقیقاً به همین دلیل است که نمی‌توان منع رسانه‌ها از دریافت و انتشار اطلاعات مربوط به قتل حدود ۶۷۰۰ مسلمان روهینگایی در یک ماه توسط مقامات میانمار (۲۶) که این امر را دخالت در امور داخلی این کشور می‌دانستند، پذیرفت، با

اینکه به صورت بدیهی این دریافت و انتشار اطلاعات به زبان دولت مزبور تمام شد (از قضا در این مورد حاکمان میانمار از حق منع دیگران از دخالت در امور داخلی خود سوءاستفاده نمودند). قاعده لاضرر همانطور که گفته شد، ناظر بر زبان‌های غیر متعارفی است که فرد ضررزننده با سوءنیت به دیگران ضرر می‌زند و به همین دلیل است که در روایت سمره از واژه «انک رجل مضار» استفاده شده است (۵، ۲۷)، یعنی رفتار تو به طور کلی زیانبار است.

Ripper حقوقدان فرانسوی بر این باور است که سوءاستفاده از حق در صورتی محقق می‌شود که فرد با هدف ضررزدن به دیگری در محدوده حق خود عمل نماید. به عبارت دیگر تنها عمد و قصد اضرار است که اعمال حق را نامشروع می‌کند و سوءاستفاده تلقی می‌شود (۳).

ضعف ملاک سوءنیت، دشواری کشف آن است و به آسانی نمی‌توان قصد و عمد را اثبات نمود. بر این اساس و به منظور برطرف‌نمودن این ضعف، در برخی از رژیم‌های حقوقی مانند فرانسه، نظریه فقدان نفع مشروع مطرح شد. مطابق این نظریه برای کشف سوءنیت، عموماً مواردی را که فرد، بدون آنکه نفع معقول، مشروع و قانونی از اقدام خود ببرد و در فرایند اعمال حق خود به دیگری زیان وارد نماید، از مصادیق سوءاستفاده از حق دانسته شده است (۳)، ولی نظریه فقدان نفع مشروع نیز نمی‌تواند ضعف ملاک سوءنیت را بیوشاند؛ علت این امر این است که موارد بسیاری رخ می‌دهد که سوءاستفاده‌کننده از حق نفعی، خواه مشروع یا نامشروع، از اقدام خود دریافت نمی‌کند. به عنوان مثال در قضیه Roger Garaudy که پیش از این مورد ارزیابی واقع شد، با اینکه او با استناد به حق دریافت و انتشار اطلاعات و به طور کلی با استناد به آزادی بیان، هولوکاست را انکار نموده بود، ولی دادگاه به استناد به ماده ۱۷ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر که ناظر بر ممنوعیت سوءاستفاده از حق است وی را به نشر افکار نژادپرستانه و تبلیغ خشونت محکوم نمود، بدون آنکه Roger Garaudy نفعی برده باشد. منافع مادی حاصل از انتشار کتاب او نیز چه بسا در انتشار مطالبی در دفاع از هولوکاست، تحصیل می‌شد و

هدف اولیه تهیه و ارسال خبر، خیر جامعه و عموم مردم است. بنابراین اگر در مواردی مشاهده شود که رسانه‌ای از این هدف منحرف شده و منافع فردی را بر منافع عموم مردم ترجیح دهد، مرتکب سوءاستفاده از حق شده است.

با این حال، ملاک مزبور نیز معیاری جامع‌الافراد و مانع‌الاجبار نیست، زیرا مواردی را می‌توان یافت که منافع فردی در میان نباشد، ولی سوءاستفاده از حق متحقق است. به عنوان مثال سوءاستفاده یک خبرنگار از حق دریافت و انتشار اطلاعات به نفع یک جریان سیاسی خاص با اینکه منافع فردی در آن نهفته نیست، ولی از مصادیق سوءاستفاده از حق خواهد بود. ضعف دیگر این ملاک این است که به بهانه حفظ مصالح عمومی، می‌توان مانع نشر اطلاعات شد. اساساً مهم‌ترین، بهانه حاکمان در اعمال سانسور بر انتشارات، سانسور خبری و رسانه‌ای، تضییق و تضییع حقوق خبرنگاران و مانند آن، حفظ مصالح و منافع عمومی است. امنیت ملی، عفت عمومی، نظم عمومی، رفاه همگانی و مانند آن جملگی محمل مناسبی برای برخی حاکمان است که با تکیه بر آن بتوانند مانع جریان آزاد اطلاعات شوند.

**۳-۳. ضرر آگاهانه نامتعارف (معیار پیشنهادی):** با توجه به کاستی‌های موجود در معیار سوءنیت و معیار عدول از غایت اجتماعی که پیش از این مورد اشاره قرار گرفت، نوشتار فرارو، معیار سومی را مطرح می‌سازد که مبتنی بر استفاده از نظریه خطا است. نظریه خطا که دایره وسیع‌تری نسبت به نظریه خطر دارد، در احراز و اثبات سوءاستفاده از حق می‌تواند یکی از ملاک‌های مناسب باشد که مبتنی بر آن، هر کنشگر ارتباطی اعم از فرد، دولت یا سازمان اگر آگاهانه از جریان آزاد اطلاعات به گونه‌ای استفاده نماید که منجر به زیان به دیگران شود یا حقی از آنان تضییع گردد یا آنان را در تنگنا قرار دهد، مرتکب عمل سوءاستفاده از حق شده است که از منظر حقوقی ممنوع است. مهم‌ترین دلیل بر ترجیح نظریه خطا بر خطر این است که اولاً همانطور که بیان شد، سوءنیت، در قاعده سوءاستفاده از حق نهفته است و در این باره به دنبال دلیل بودن، چه بسا ما را از مطلوب دور می‌نماید؛ ثانیاً این کاملاً

اگر این نیز نمی‌بود، دشواری اثبات و تشخیص اینکه این که وی با هدف دریافت منافع نامشروع و غیر قانونی این کار را کرده باشد، بر جای خود باقی بود. بر این اساس، ملاک دیگری برای احراز سوءاستفاده از حق به نام «عدول از غایت اجتماعی حق» مطرح شد.

**۲-۳. عدول از غایت اجتماعی حق:** عدول از غایت اجتماعی حق معیار دیگری برای تشخیص سوءاستفاده از حق تلقی می‌شود. از دیدگاه فلسفه حقوق، مقررات و قوانین و به طور کلی گزاره‌های حقوقی، گاهی با هدف تأمین منافع فرد و گاهی با هدف تأمین منافع جامعه و گاهی با هدف تأمین منافع فرد و جامعه وضع می‌شوند (۲۸). Rolly عمدتاً حقوقدانان لیبرال بر این باورند که حتی حقوق جامعه‌گرا نیز غایت فردی دارد - فردگرایی حقوقی - و برعکس، حقوقدانان سوسیالیست بر این باورند که حقوق حتی حقوقی که در ظاهر برای تأمین منافع فرد وضع شده‌اند، غایت اجتماعی دارد - جامعه‌گرایی حقوقی (۲۹). مطابق نظر جامعه‌گرایان حقوقی، انحراف از غایت اجتماعی حق معیار مناسبی برای تشخیص سوءاستفاده از حق می‌باشد. این ملاک به طور خاص در جریان آزاد اطلاعات می‌تواند نقش مؤثری داشته باشد، زیرا حقوق بشر به طور عام و آزادی بیان به طور خاص از جمله حقوقی است که بیشتر در چارچوب جامعه‌گرایی حقوقی گنجانده می‌شود. شاید این باور که هدف نهایی از وضع حتی حقوق فردی نیز تأمین منافع جامعه باشد، دیدگاهی دور از واقع تلقی شود، ولی به طور خاص حق دریافت و انتشار اطلاعات به عنوان یکی از مصادیق حقوق بنیادین بشر، از جمله حقوقی است که در آن غلبه اهداف و مصالح اجتماعی نسبت به اهداف و منافع فردی به روشنی، قابل مشاهده است. اصل بر این است که حق دریافت و انتشار آزاد اطلاعات و در گستره وسیع‌تر، آزادی بیان در مسیر اهداف عمومی و اجتماعی مورد استفاده قرار می‌گیرد؛ یکی از مهم‌ترین دلایلی که خبرنگاران در تمام رژیم‌های حقوقی از آزادی برخوردارند و حتی در میان بحران‌های اجتماعی یا سیاسی به طور آزادانه فیلم و خبر تهیه کرده و مخابره می‌کنند، این است که اصولاً

دریافت و انتشار اطلاعات است. برای اثبات سوءاستفاده از حق مزبور معیار سوءنیت و انحراف از غایت اجتماعی حق مطرح شده است، ولی نویسنده بر این باور است که ملاک‌های مزبور به تنهایی نمی‌توانند مستند درستی برای اثبات سوءاستفاده از حق ارائه دهند که در جای خود بحث شد. این امر، نویسنده را به سوی معیاری تلفیقی سوق داد که ذیل عنوان «ضرر آگاهانه نامتعارف» مورد بحث واقع شد. مطابق این ملاک اگر هر کنشگر ارتباطی در جریان آزاد اطلاعات و در فرایند دریافت و نشر اطلاعات به گونه‌ای رفتار نماید که آگاهانه و به صورتی نامشروع به دیگران زبانی نامتعارف وارد نمود، جرم سوءاستفاده از حق متحقق شده است. سازمان‌های ملی و بین‌المللی ناظر بر حقوق بشر و نیز کشورهای عضو نهادهای حقوق بشری باید ملزم به تفسیر مضیق در سوی اعمال محدودیت و تفسیر موسع در سوی حقوق و آزادی‌های اساسی مرتبط با حق دریافت و انتشار اطلاعات باشند تا این حقوق در مقام احقاق و اجرا با موانع و محدودیت‌های کمتری مواجه شوند. آنچه اهمیت دارد، این است که هدف نهایی تمامی این شرایط و محدودیت‌ها از یکسو و آزادی اطلاعات و ارتباطات از سوی دیگر با هدف غایی عدالت تنظیم می‌شود. هم آزادی در جریان اطلاعات باید منتهی به عدالت شود و هم محدودیت‌ها و شرایط مزبور، در غیر این صورت مفهوم آزادی خارج از مسیر خود قرار خواهد گرفت و هم حدود، شرایط، ضوابط و تزییقات مرتبط با آن کارکرد خود را از دست خواهند داد.

### مشارکت نویسندگان

مازیار سعیدی: جمع‌آوری مطالب و تدوین مقاله.

مسعود راعی: ارائه ایده و موضوع، معرفی منابع.

فرامرز عطریان: ویرایش مقاله.

نویسندگان نسخه نهایی را مطالعه و تأیید نموده و مسئولیت پاسخگویی در قبال پژوهش را پذیرفته‌اند.

### تضاد منافع

نویسندگان هیچ‌گونه تضاد منافع احتمالی را در رابطه با تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله اعلام نکرده‌اند.

بدیهی است که در اکثر موارد، آزادی دریافت و نشر اطلاعات، ممکن است به دیگران زیان وارد کند حق دریافت و نشر اطلاعات به طور نسبی می‌تواند برای مالک اطلاعات، دریافت‌سکننده اطلاعات، رقیبان رسانه‌ای، بازیگران سیاسی و اقتصادی، و مانند آن زبان‌هایی را به همراهِ داشته باشد، ولی آنچه مهم است این است که آیا این زبان‌ها عامدانه و آگاهانه وارد شده است و به علاوه میزان این زبان متعارف بوده است یا نه. وصف آگاهانه‌بودن و وصف نامتعارف‌بودن، هر دو منطبق بر قاعده لاضرر بوده و از این منظر می‌تواند رژیم حقوقی بیش از پنجاه کشور مسلمان جهان را متقاعد نماید که قیود و شروطی را برای ممنوعیت سوءاستفاده از حق اعمال نمایند؛ ثالثاً در فرایند دریافت و نشر اطلاعات، سوءاستفاده از حق استثنایی است بر اصل آزادی بیان و هرچه بتوان دایره استثنا را تنگ‌تر نمود، به نفع جریان آزاد اطلاعات و آزادی بیان خواهد بود. نظریه خطر می‌تواند به صورت جدی آزادی بیان را در تنگنا قرار دهد، زیرا نتیجه پذیرش آن، این خواهد بود که هر کس در راستای اعمال و اجرای دریافت و نشر اطلاعات مرتکب زیان به دیگران شود؛ خواه آگاهانه یا ناآگاهانه و خواه به قصور یا به تقصیر، مسئولیت وی را در پی داشته باشد. پیامد مستقیم چنین دیدگاهی آن است که تمام کنشگران ارتباطی به شدت نگران پیامد رفتار خود شده و خودسانسوری بر فضای جریان آزاد اطلاعات حاکم خواهد شد. بنابراین قیود سوءاستفاده از حق باید قیودی سخت‌گیرانه به ضرر تضییع در طرف منع و به نفع توسیع در طرف روایی دریافت و نشر اطلاعات باشد.

### نتیجه‌گیری

درست است که در جریان آزاد اطلاعات، حق دریافت و انتشار اطلاعات به مثابه مصداقی از حقوق بشر و آزادی اساسی انسان شمرده است، ولی مطابق اسناد و آرای صادره از دادگاه‌های حقوق بشری این حق مطلق و بی‌قید و شرط نیست، بلکه در مواردی با محدودیت‌هایی مواجه می‌شود. یکی از مهم‌ترین محدودیت‌های جریان آزاد اطلاعات، منع سوءاستفاده از حق

### تقدیر و تشکر

ابراز نشده است.

### تأمین مالی

نویسندگان اظهار می‌نمایند که هیچ‌گونه حمایت مالی برای تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله دریافت نکرده‌اند.

### ملاحظات اخلاقی

در پژوهش حاضر جنبه‌های اخلاقی مطالعه کتابخانه‌ای شامل اصالت متون، صداقت و امانتداری رعایت شده است.

## References

1. Colin A, Capitan H. *Traité de droit civil*. Paris: Dalloz; 1953. p.102.
2. Katouzian N. Abuse of the right or fault in the implementation of the right. *Journal of the Faculty of Law and Political Sciences*. 2006; 21(1): 103-115. [Persian]
3. Karimi A, Kandsari H. The logical relationship between the jurisprudential rule of harmless and the western rule of abuse of rights. *Comparative Research Quarterly of Islamic and Western Laws*. 2013; 2(1): 135-166. [Persian]
4. Ghestin J, Goubeaux G. *Traité de droit civil - Introduction générale*. Paris: L.G.D.J; 1993. p.697.
5. Ameli M. *Wasayil al-Shia*. Qom: Al al-Bayt Institute; 1991. Vol.25 p.5, 429. [Arabic]
6. Koleini M. *Al-Kafi*. Tehran: Dar al-Kitab al-Islamiyya; 1988. Vol.5 p.293. [Arabic]
7. Sadouq A. *Man la Yahzuruho al-Faqih*. Qom: Jame'eye Modaresin; 1992. Vol.4 p.334. [Arabic]
8. Ansari M. *Fraied al-Asul*. Qom: Majma al-Fikr al-Islami; 1998. Vol.1 p.535. [Arabic]
9. Khorasani M. *Kafayah al-Asul*. Qom: Al al-Bayt Institute; 1988. Vol.1 p.381. [Arabic]
10. Bojnoordi M. *Al-Qawaied al-Fiqhiyyah*. Qom: Al-Hadi; 1998. Vol.1 p.214. [Arabic]
11. Khomeini R. *Tahzeeb al-Asul*. Qom: Jame'eye Modaresin; 2002. Vol.2 p.22. [Persian]
12. Damad M. *Rules of jurisprudence, civil sector, ownership, responsibility*. Tehran: Islamic Sciences Publishing Center; 2007. Vol.1 p.142. [Persian]
13. Ostadi R. "Defects", annulment of marriage. *Ahl al-Bayt Jurisprudence Quarterly*. 2009; 58(15): 94-128. [Persian]
14. Kalina V, Milokhova A. Civil law principle of good faith as an ethical and legal category. *RSUH/RGGU BULLETIN. Series Economics. Management. Law*. 2018; 1(3): 125-133.
15. Jafarzadeh G, Saraf H. Good faith in international contracts with universal rules or exceptional provisions. *Journal of Legal Research*. 2005; 41(8): 126-146. [Persian]
16. Whiteman M. *Digest of International Law*. Washington D.C: Government Printing Office; 1965. Vol.5 p.224.
17. Zamani Q. Legitimacy of economic sanctions the combination of prohibiting the abuse of rights with the normative hierarchy of fundamental human rights in the international system. Appendix published in the "International Economic Law". Tehran: Shahre Danesh; 2018. p.2. [Persian]
18. Jafari A, Heydari A. Measuring the feasibility of the jurisprudential rule of good faith. *Journal of Fiqh and Fundamentals of Islamic Law*. 2016; 2(50): 329-344. [Persian]
19. Available at: <https://www.refworld.org/cases,ECHR,3ae6b6fb8.html>. Retrieved on: January 04, 2020.
20. Palevic M, Djordjevic S. Freedom of information and abuse of media in the process of globalization. *Webology*. 2013; 10(1): 11-20.
21. *W P and Others v. Poland (decision)*, 2 September 2004 [ECtHR].
22. Available at: <http://www.associationline.org/guidebook/action/read/section/jurisprudence/chapter/7/decision/218>. Retrieved on: January 04, 2020.
23. *Garaudy V. France A. no.65831/01, Decision 24 June 2003*.
24. Available at: <https://www.hudoc.echr.coe.int/eng#%7B%22itemid%22:%5B%22001-23829%22%7D>. Retrieved on: January 04, 2020.
25. Mozafar M. *Principles of jurisprudence*. Qom: Al-Nashar al-Islami Institute; 2009. Vol.2 p.360. [Arabic]
26. Available at: <https://www.theguardian.com/world/2017/dec/14/6700-rohingya-muslims-killed-in-attacks-in-myanmar-says-medecins-sans-frontieres>. Retrieved on: March 11, 2020.
27. Ameli M. *Wasayil al-Shia*. Qom: Al al-Bayt Institute; 1991. Vol.17 p.341. [Arabic]
28. LeFebvre R, Franke V. *Culture Matters: Individualism vs. Collectivism in Conflict Decision-Making*. Societies. 2013; 3(1): 128-146.
29. Triandis H. *Collectivism v. Individualism: A Reconceptualisation of a Basic Concept in Cross-cultural Social Psychology*. London: Palgrave Macmillan; 2020. p.60.